

از قرن هفدهم میلادی با تحول علم فیزیک دگرگونی عمیقی در شیوه پژوهش در اسرار طبیعت به وجود آمد. شیوه‌های نوین موجب پیدایش نظریه‌هایی در باره آفرینش جهان طبیعت و تحولات آن شد که با آنچه محققان از اسطوره‌ها، کتابهای مقدس ادیان و شرحهای آنها و سپس از حکمت طبیعی به یادگار مانده از فلسفه افلاطون و ارسطو و به طور کلی از کیهان‌شناسی فلسفی فرا گرفته بودند، تفاوت بسیار داشت. یکی از مهمترین تفاوتها در شیوه به دست آوردن اطلاعات، طبقه بندی آنها و امکان تبیین و پیش بینی رویدادها بر اساس قوانین عینی و استثنا ناپذیر حاکم بر طبیعت بود. به نظر دانشمندان این قوانین به زبان ریاضی نوشته شده‌اند و با تکیه بر روش تجربی قابل رد و اثبات‌اند. بعلاوه، در روش جدید تحقیق در علوم طبیعی، وثاقت سخنان کسانی که نظر آنان در زمینه‌های دینی حجیت داشت، در علوم تجربی مورد تردید قرار گرفت و در بهترین حالت یکی از دانشهای متعلق به روزگار آنان تلقی شد که در پرتو تجربه ممکن بود پاره ای از آنها قبول و پاره دیگر مردود تلقی شود. شرح و تبیین نظریه‌ها در علوم جدید در باره طبیعت یا کیهان‌شناسی و مقایسه آن با آنچه در قرآن و سنت آمده قلمرو اصلی مطالعه حاضر نیست. سوال اصلی این تحقیق آن است که با فرض وجود گزاره‌های علمی ناظر به پیدایش جهان طبیعت در قرآن، مفسران دوره قدیم چگونه این آیات را تفسیر کرده‌اند؟ دیگر آن که ظهور داده‌ها و نظریه‌های جدیدی که در سایه روشهای نوین تحقیق در علوم تجربی به دست آمده، چه تاثیری بر نظر مفسران قرآن در دوره جدید داشته است؟ طبیعی است در این تحقیق که با رویکردی تاریخی صورت می‌گیرد، برای پاسخ به این دو سوال نمی‌توان به همه پدیده‌های موجود در طبیعت مانند آسمان، زمین، کوهها، دریاها و کیفیت آفرینش حیوانات و انسان پرداخت. از این رو، بحث از دو سو محدود شده است؛ یکی آن که قلمرو تحقیق به آفرینش جهان به طور کلی و کیفیت خلق آسمان و زمین محدود شده و دیگر این که از میان مفسران قرآن با در نظر گرفتن ملاک یا ملاکهایی، که در جای خود بیان می‌شود، چهار مفسر انتخاب شده‌اند.

ابتدا در فصل اول پس از اشاره ای کوتاه به چگونگی پیدایش سنت تفسیر قرآن در فرهنگ و تمدن اسلامی به طور کلی، به چگونگی پیدایش رویکردهای علمی در تفسیر به طور خاص، و به طور اخص به معرفی روش تفسیر در نگاه مکتب ادبی، به عنوان الگوی روشی این مطالعه، پرداخته شده است. در این بخش، برای معرفی الگوی تحقیق، بیشتر تکیه بر مطالبی بوده که امین الخولی (متوفی ۱۹۶۶)، قرآن‌شناس مصری، در

مدخل "التفسیر - تکمله" دائرة المعارف الاسلامیه چاپ قاهره آورده است. در همین فصل با توجه به ملاکهای، دو مفسر از عالم قدیم (پیش از دوره مدرن) یعنی محمد بن جریر طبری و محمد بن عمر فخر الدین رازی و دو مفسر از عالم جدید، یعنی طنطاوی بن جوهری مصری و سید محمد حسین طباطبائی انتخاب و به طور کوتاه معرفی شده‌اند.

فصل دوم ویژه اثبات این فرض است که در قرآن آیاتی ناظر به چگونگی پیدایش جهان هستی و کیفیت خلق آسمان و زمین وجود دارد. در این فصل، علاوه بر قرآن به عنوان منبع اصلی، قدیم ترین نقل قولها در باره چگونگی و ترتیب نزول آیات و سوره‌ها اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده‌اند. آیات مذکور با رویکردی تاریخی و بدون اتکا بر هیچ تفسیری، با فرض امکان نسبی تحقق چنین امری، دسته بندی و بررسی شده‌اند. منطق و سیر تاریخی بدست آمده در ترتیب این آیات، مطابق الگویی که در فصل اول معرفی شده، در فصل‌های سوم، چهارم و ششم در رجوع به آرای مفسران قدیم و جدید حفظ شده است. در همه کتاب و بویژه در این فصل ترجمه خودم از آیات قرآن را آورده‌ام.

در فصل سوم با حفظ ترتیب تاریخی نزول آیات مربوط به آفرینش هستی و کیفیت خلق آسمان و زمین، مطالب طبری در جامع البیان عن تأویل آی القرآن با توجه به رویکرد روائی او در تفسیر و مطالب فخر الدین رازی در مفاتیح الغیب یا التفسیر الکبیر با توجه به رویکرد عقلگرایانه او در باره آیات مذکور در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. منبع اصلی در این فصل، تفسیرهای جامع البیان و التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) است و به مناسبت بحثها به پاره ای از تحقیقاتی که در باره موضوع بحث انجام شده، اشاره می‌شود.

مطالب مفسران جدید در ذیل آیات مربوط به آفرینش و میزان تاثیر آنها از علوم جدید در فصل چهارم بررسی شده است. منبع اصلی در این فصل الجواهر فی تفسیر القرآن جوهری طنطاوی و المیزان فی تفسیر القرآن طباطبائی است. اما از آنجا که موضوع اصلی بحث آشنایی با نظریه‌های کیهان شناسی علمی نیست، برای اطلاع خواننده از این نظریه‌ها به معرفی چند منبع به زبان فارسی در پانویسها بسنده شده است.

فصل پنجم، حاوی بررسی اجمالی در باره تصویر از آفرینش در فرهنگ و در خاطره مردم پیش از ظهور اسلام است. در این فصل، با تاکید بر پاره ای از تحقیقات جدید باستان شناسان و اسطوره شناسان در صدد آن برآمدهام که تفاوت دو تصویر از آفرینش قبل و بعد از ظهور اسلام را نشان دهم.

در فصل ششم، با این فرض که داده‌های جدید در علوم تجربی در شیوه مواجهه ما با متون مقدس تاثیر گذاشته است، کوشیده‌ام با معرفی کوتاه روش تفسیر هرمنیوتیکی قرآن و اتکا بر این روش، تفسیری کم و بیش متفاوت و مرتبط با زمانه ما از آیات آفرینش ارائه کنم. تفسیری که بر فرض قبول آن، مسلمان معتقد و مومن به قرآن بتواند تناقض‌های ذهنی خود را با داده‌های جدید علوم حل کند. داوری در موفقیت و کارآمدی این تفسیر پیشنهادی را بر عهده خواننده می‌گذارم. در پایان، نتیجه تاثیر علوم جدید بر تفسیر مفسران از قرآن و نتایج بررسی هرمنیوتیکی این تفسیرها و نیز نتایج پذیرفتن روش تفسیر هرمنیوتیکی قرآن به اختصار بیان شده است. نتیجه مقایسه آن است که مفسران دوره قدیم و جدید کم و بیش مطابق دانش و چارچوب فکری روزگار خویش و با رویکردی اعتقادی یا کلامی درصدد تفسیر متن قرآن برآمده‌اند. در همه فصلها برای رعایت عدالت و حفظ معیارهای علمی کتاب با احترام به همه مفسران و محققان گذشته و حال نام آنان را بدون ذکر القابی چون علامه، امام، آیه الله، دکتر و امثال آن یاد کرده‌ام.

جهت سفارش خرید

۰۲۱ - ۸۸۹۵۴۴۱۳ و ۰۲۱ - ۸۸۹۵۴۴۷۶